

## سلام کودکانه

### بازی‌های تابستونی

سلام. این روزها هوا خیلی گرم شده. حواستون باشه وقتی هوا خیلی گرمه و آفتاب داغه، تو کوچه یا حیاط، بازی‌های پر جنب و جوش نکنین چون ممکنه گرم‌زده بشین. این طور موقع‌ها اگه دوست دارین بازی کنین، می‌تونین توی خونه با اعضای خانواده بازی کنین. بازی‌هایی که نیاز به جنب و جوش و فعالیت زیاد نداشته باشه مثل منچ، مارپله، یه قل دوقل، نون بیار، کباب ببر، اتل متل توتوله و... منتظر نقاشی، قصه، کاردستی‌ها و شعرهای خوب شما هستیم.

ارسال نقاشی، قصه، خاطره، عکس و...

📧 ۲۰۰۰۹۹۹ 📞 ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۹



## با من یاد بگیر

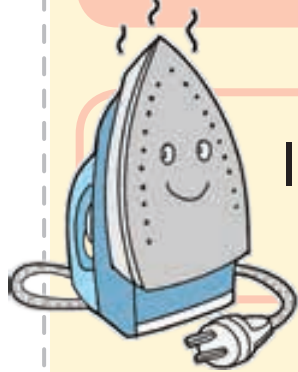
### آموزش انگلیسی

دوستان خوبم، می‌خوام چند تا لغت رو همراه با شعر بهتون معرفی کنم تا با این لغات و معادل انگلیسی شون آشنا بشین.

لباسای کثیفو  
اون می‌شوره حسابی  
ببین توشو می‌چرخه  
عجب کفی و آبی



Laundry  
لباس شویی



Iron  
اتو

چروک رو لباسو  
اون می‌کنه مرتب  
یه جوری داغه انگار  
همیشه اون داره تب

رو شعله هاش می‌ذارن  
قابلمه غذا رو  
به پیچ اون دست نزن  
زیاد نکن دمارو



gas stove  
اجاق گاز

سحر بهجو

## فرره

صفحه‌ای برای ۵ تا ۱۰ ساله‌ها  
روزهای زوج  
«زندگی سلام»

میو میو توی باغ  
صدا اومد دوباره  
یه گربه هر روز این‌جا  
صبح‌ها تا شب بیداره

میو میو صداهاش  
چند روزه بیشتر شده  
انگاری که خوشحاله  
حال او بهتر شده

وای دیدمش خدا جون  
گربه قد کوتوله  
دیدم که توی باغچه  
آورده چند تا توله

مریم زارعی



تصویر سازی‌ها: سعید مرادی

## شهر قصه

### مسابقه بادبادک‌ها

آریا من رو با حصیر، کاغذ رنگی و چسب درست کرد. برام گوشواره‌های رنگی ساخت و دو چشم قهوه‌ای کشید با یه لبخند زیبا. صبح که شد من و آریا به مسابقه بادبادک‌ها رفتیم. من برنده نشدم آخه حواسم به بادبادک‌های دیگه بود و آریا هم تازه یاد گرفته بود بادبادک هوا کنه. هفته بعد دوباره به مسابقه رفتیم. من داشتم بالا و بالاتر می‌رفتم. یکی از بادبادک‌ها به من نزدیک شد. من ترسیدم و فرار کردم که گوشواره‌هام به شاخه درخت‌ها گیر کرد و پاره شد. آریا من رو از درخت پایین آورد. مسابقه تموم شد و باز من برنده نشدم. هفته بعد آریا من رو برداشت تا دوباره به مسابقه بریم. مامانش گفت: «آریا هوا یک کم سرد شده، جلیقه‌ات رو بپوش.»



آریا جلیقه‌اش رو پوشید و با هم به محل مسابقه رفتیم. مسابقه شروع شد. من داشتم مثل بقیه بادبادک‌ها بالا می‌رفتم که آریا گفت: «بالاتر نرو. نخ کم آوردیم.» بعد نخ من رو به طرف پایین کشید. اما در عوض پایین رفتن من باز هم بالاتر رفتم. ترسیدم، آخه فکر کردم نخم پاره شده. به پایین نگاه کردم که ببینم آریا داره چه کار می‌کنه. دیدم جلیقه آریا داره کوتاه و کوتاه‌تر می‌شه. آریا نخ من رو به نخ جلیقه‌اش گره زده بود. وقتی سوت پایان مسابقه زده شد، من و آریا رو برنده اعلام کردن، چرا که با کمک نخ جلیقه آریا، من از همه بادبادک‌ها بالاتر بودم.

نویسنده: آرزو مصطفی

## هنرمند کوچولو

### کرم‌هایی که به گردش می‌روند

وسایل لازم:  
کاغذ رنگی  
قیچی  
ماژیک  
نی

کاغذ رنگی مستطیل شکل رواز وسط تا می‌زنیم و باز می‌کنیم. سپس مانند تصاویر شماره ۳ و ۴ به ترتیب تا می‌زنیم. مرحله بالا رو برای نیمه دیگه هم انجام می‌دیم. (تصویر شماره ۵) دو طرف خط تا رو روی هم قرار می‌دیم و مانند الگو برش می‌زنیم. (تصویر شماره ۶) می‌تونیم با ماژیک و... کاملش کنیم. بانی به کرم فوت می‌کنیم تا حرکت کنه. حالا کرم کوچولو و مامانش می‌تونن به گردش برن.

رسول زینلی‌نیا

## سرگرمی

### جدول الفبا

دوستان گلم نام ۱۰ عضو بدن در جدول زیر آمده است. آن‌ها را پیدا کنید. (راهنمایی: اسم‌ها ممکنه از چپ به راست، راست به چپ، بالا به پایین یا پایین به بالا مرتب شده باشن.)

عفت زینلی

